



هم نوشت: مذاکره ایران و آمریکا چیزی جدید نیست و قبلا هم انجام شده است، ایران در موقعیت هایی که لازم بوده به صورت مستقیم و در برخی مواقع نیز به صورت غیرمستقیم مذاکره کرده است. او نوشت: ایران در عراق و سوریه و هم در ژنو برای برجام، به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره کرد، در موارد دیگر نیز به واسطه دیگر کشورها نیز مذاکراتی با آمریکا داشته ایم، این نمونه های مذاکراتی نشان می دهد که ارتباط ما با کشورهای دیگر قطع نبوده است. اگر آمریکایی ها حرف منطقی دارند و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک کشور مقتدر و اثرگذار در منطقه به رسمیت می شناسند، بیایند به صورت برابر مذاکره کنند. آن دورانی که آمریکایی ها بیایند و کودتا کنند تمام شده است، باید بدانند که امروز جمهوری اسلامی ایران کشور مقتدری است و افراد عاقل و توانمند در آن حضور دارند و این افراد، هم آمادگی دارند هم بلدند که چگونه مذاکرات را پیش ببرند به شرطی که آمریکایی ها هم صادق باشند.

**ماجرای مراسم سالگرد مرحوم داریوش فروهر در دولت وفاق**  
دور از این مباحثات و مشاجرات اما خبر برگزاری مراسم سالگرد مرحوم داریوش فروهر پس از چندسال ممنوعیت در دولت چهاردهم قدری متفاوت بود. روزنامه ایران نوشت: طی سالیان گذشته برگزاری مراسم سالگرد آقای داریوش فروهر و همسر ایشان که متأسفانه در جریان قتل های زنجیره ای در دهه ۷۰ درگذشتند، با محدودیت هایی روبه رو می شد تا جایی که عملاً این مراسم برگزار نمی شد. اما امسال این مراسم با حضور دختر این خانواده برگزار شد. این اتفاق اگرچه بسیار طبیعی است و قاعدتاً می بایست مانند دیگر مراسم سالگرد بدون ایجاد حساسیت برگزار شود، اما حکایت راهبرد وفاق توانست زمینه ساز این مهم شود.

**ادعاهای عباس پالیزدار، پاسخ قانع کننده تری از آنچه گفته شد، می خواهد**  
چند روز پیش مصاحبه عباس پالیزدار، عضو هیئت تحقیق و تفحص مجلس هفتم، منتشر شد. او در این مصاحبه برخی چهره های سرشناس را متهم کرده و پرونده هایی از نوع تحصیل مال با استفاده از روابط و موقعیت به آنان نسبت می دهد، که اگر فقط بخشی از این ادعاها واقعیت داشته باشد، باید به سبک قدما آیه استرجاع خواند. روزنامه شرق نوشت: از این رو کمترین توقع از نهادهای ناظر این است که با بررسی دقیق پرونده های اشاره شده ایشان، گزارش جامع و شفاف برای افکار عمومی ارائه دهند. اگر ادعاهای ایشان نادرست است، با او برخورد قانونی شود و اگر درست است، حقوق پایمال شده جامعه به صاحبان واقعی آن بازگردانده شود. او به ویژه درباره مرحوم آیت الله یزدی، رئیس سابق قوه قضائیه، می گوید پرونده ایشان که برای بررسی به او داده شده، پرونده ای مفصل و حجیم به ارتفاع میز ناهارخوری بوده است! پس از انتشار مصاحبه واکنش هایی از سوی علاقه مندان آیت الله یزدی اتفاق افتاد که نگاهی گذرا به سه مورد از آنها ضروری است:

- ۱- کلیبی منتشر شد که آقای یزدی ضمن تکذیب ادعاهای طرف مقابل می گویند ارزش کل دارایی های شان دو، سه میلیون تومان بیشتر نیست.
- ۲- قائم مقام اسبق مرکز پژوهش های مجلس عباس پالیزدار را آدم تند و تیزی معرفی می کند که بدون داشتن مستندات کافی همه را متهم می کند.
- ۳- یک مقام قضائی مرتبط با پرونده عباس پالیزدار گفته است او به دنبال مطرح شدن است و قصد دارد از رانت استفاده کند و از افراد باج بگیرد. پرونده اشاره شده او را بررسی کردیم. واگذاری اموال با روال کاملاً قانونی انجام گرفته بود.

با کنار هم نهادن این سه واکنش و حتی ده ها واکنش دیگر، مشاهده می شود که هیچ پاسخ محکمه پسندی به ادعاهای عباس پالیزدار داده نمی شود.



«مای شیخ حمید» صداکنند!  
جالب اینکه دیروز پس از مجادله رسایی با قالیباف در مورد توییت فضائی درباره اصلاح قانون تابعیت قهری که قالیباف نیز آن را تایید کرد، یک نماینده مجلس با انتقاد از حمید رسایی گفت: معلوم نیست نیروهای انقلابی باید خودشان را با حضرت آقا هماهنگ کنند یا خدای نخواستہ رهبر انقلاب با نیروها.

**این بار، روانبخش**  
بحث ظریف تمام نمی شود. در ادامه ماجرا، قاسم روانبخش، نماینده جبهه پایداری در مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با خبر آنلاین می گوید: تابعیت فرزندان ظریف اصلاً قهری نبوده، یعنی بچه های ظریف مجبور بودند که در آنجا شناسنامه بگیرند و یا اختیار داشتند؟ اختیار بوده، قهری نبوده است. حالا آقای رئیس جمهور می خواهد از ظرفیت ظریف استفاده کند، این کار را انجام دهد و از نظرات کارشناسی و مشاوره ای او استفاده کند. از طرفی حقوق هم می گیرد. در مجموع مجلس احساس کرد که به آن توهین شده، به همین دلیل قاطبه مجلس مقابل آن ایستاد.

**پیشنهاد لاریجانی به آمریکا**



جدای از بحث ظریف، موضوع دیگر که کیهان هم بدان پرداخته بود و اصلاح طلبان نیز ادامه داده بودند، موضوع مذاکره مستقیم با آمریکا بود. بحثی که علی لاریجانی شروع کرد و البته برداشت های ناصواب از آن را اصلاح کرد و بحث روز شبکه های اجتماعی باقی ماند.  
علی لاریجانی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس پیشنهاد عملی را به آمریکا ارائه کرد:  
۱- در موضوع هسته ای، آمریکا توافق قبلی (برجام) را به هم زد و از آن خارج شد و از این طریق به ایران خسارت وارد کرد.  
۲- ایران غنی سازی خود را آغاز کرد و درجه خلوص را به بالای ۶۰٪ رساند.  
۳- دو طرف در موقعیت جدید قرار دارند، اگر مسئولان جدید آمریکا می گویند در موضوع هسته ای ایران صرفاً با سلاح هسته ای مخالف اند باید در ازای این امر شروط ایران را بپذیرند و امتیاز لازم، من جمله جبران خسارات ایران، و نظایر آن را قبول کنند تا توافق جدید به دست آید نه اینکه یک طرفه امریه صادر کنند نظیر تصمیم آنان در آژانس!  
در این میان روزنامه سازندگی به این موضوع پرداخت، «نسخه جدید لاریجانی» عنوان تیتیر یک این روزنامه است که با عکسی از علی لاریجانی همراه است. در این گزارش به بررسی این مسئله پرداخته شده که چه اتفاقی در مناسبات ایران و آمریکا در حال رخ دادن است و علی لاریجانی چه نقشی بر عهده گرفته است.

**مذاکره ایران و آمریکا چیزی جدید نیست و قبلاً هم انجام شده**



شاید نکته جالب اینجا باشد که منصور حقیقت پور فعال سیاسی اصولگرا

**یادداشت های شهر شلوغ**

**از «مای جواد» تا «مای شیخ حمید»!**

✍️ **شهروند** برای ما اهالی رسانه، صبح از نیمه شب آغاز می شود. خیلی از توییت های مهم و گزارشها و تحلیل های رسانه ای به یمن اینترنت و فضای مجازی، ما را آماده می کند تا ببینیم امروز کدام وری باید غش بکنیم! اما آنچه در پی می آید گزارش دیروزمان است....

**محاکمه سران سیاسی و نظامی صهیونیستی**

هنوز نیمه شب نشده که توییت عبری جدید صفحه دفتر رهبر انقلاب از راه می رسد. آمده است که: «تمامی سران سیاسی و نظامی باند تروستی جنایتکار صهیونیستی باید محاکمه شوند و تحت تعقیب قرار گیرند.»  
به خودم می گویم که ای کاش اهالی رسانه همین محور را بگیرند و با همدلی پیش ببرند، اینهمه شعار جهاد تبیین و ضرورت روشنگری برای نسل جوان بالاخره باید یک جایی عملی بشود. اما گاهی آرزوی محال می شود. نمونه اش هم با باز کردن صفحات مطبوعات آغاز می شود. اولین توپ را کیهان پرتاب می کند.

**۱۰۰ روز گران کیهانی**

کیهان تیتیر یک خود را «۱۰۰ روز گران» انتخاب کرده و می نویسد: دولت چهاردهم که مدعیان اصلاحات چهارگوشه آن را در اختیار گرفته اند، در ۱۰۰ روز اول کاری خود به جای اینکه صدای بی صدایان و محرومان و طبقه متوسط و به طور کلی، مردم عادی باشد اقداماتی را برای خوشایند یک

اقلیت بسیار کوچک، اشرافی، پرمدها، کم بهره و پرسروصدا انجام داده است. کارگزاران اقتصادی دولت به بهانه اصلاحات اقتصادی دست به تعدیل بسیاری از قیمت ها زده اند. این در حالی است که سیاست گران سازی به قصد کاهش مصرف یا افزایش درآمد دولت، بارها در کشور شکست خورده و اگرچه در کوتاه مدت، درآمدی برای دولت ایجاد کرده تا زیان دهی امثال خودروسازان را جبران کند! اما پس از مدتی، به بار سنگین دولت تبدیل شده و این دور باطل مخصوصاً در دولت های اصلاح طلب ادامه یافته است.

عکس یک این روزنامه هم با «نگاهی به روزنامه های اصلاح طلب» تیتیر «از پیشنهاد «مذاکره به هر قیمت» تا سانسور «قطعنامه ضد ایرانی» را انتخاب کرده است. کیهان آورده است: پس از صدور قطعنامه ضد ایرانی شورای حکام، مدعیان اصلاحات ضمن بازتاب مصاحبه «علی لاریجانی» بر طبل مذاکره کوبیدند؛ این در حالی است که اخبار «قطعنامه» به عنوان نقطه مقابل «مذاکره» سانسور شده است. مدعیان اصلاحات با نادیده گرفتن بدعهدی غرب و سانسور صدور قطعنامه و ایضا با «ماله کشی» عملکرد اروپا در قبال ایران، نه تنها نقض تعهد کشورهای غربی را در نظر ندارند یا آن را بزک می کنند، بلکه با تحریف سخنان مشاور رهبر انقلاب و برداشت سطحی از مصاحبه او پالس مذاکره برای غرب ارسال می کنند.

کیهان به این هم بسنده نکرده و به سراغ دولت خاتمی هم می رود و در گزارشی با تیتیر «ذوق زدگی تحلیلی صهیونیست از پادویی برخی اصلاح طلبان برای اسرائیل» اتهام جدیدی را مطرح می کند که: «در پادویی ننگین برخی مدعیان اصلاح طلبی برای رژیم صهیونیستی همین بس که شبکه اینترنشنال وابسته به موساد، از سوی معاون وزیر ارشاد دولت خاتمی اداره می شود!»

**رسایی یا مای شیخ حمید**



حمید رسایی که گویا محمد جواد ظریف عامل ماجراجویی ها و همیشه در صحنه بودنش شده است، ظریف را رها نمی کند. نیمه شب است که فضای مجازی و شبکه های معاند پر شده است از ویدئوی رسایی.  
او در این ویدئو می گوید: «خون جواد ظریف بر اساس آب و هوای آمریکا تنظیم شده و اکسیژن آمریکا، خون او را رقیق می کند. ظریف به دلیل زندگی کار در آمریکا، ارتباط نزدیکی با افراد آنجا پیدا کرده و این موضوع بر دیدگاه های او تأثیر گذاشته است. به عنوان مثال، ظریف در صحبت هایش به توانایی آمریکا در نابودی سیستم دفاعی ایران اشاره کرده و همچنین به خستگی مردم ایران از هزینه های مقاومت برای فلسطین پرداخته است. این تغییرات نشان دهنده فاصله گرفتن او از اصول فکری و اعتقادی نظام و انقلاب اسلامی است.  
اما آنچه فضای مجازی را ترکاند این گفته رسایی بود که: «ظریف دبیرستان، دانشگاه، سربازی و اشتغال خود را در آمریکا گذرانده و با آمریکایی ها رفیق است. وندی شرمین ظریف را «مای جواد» صدای کرد.»

جالب ترین جواب به رسایی را شاید احمد زیدآبادی فعال سیاسی اصلاح طلب داده بود که در کانال تلگرامی خود نوشت: شیخ حمید رسایی گفته است: «وندی شرمین ظریف را «مای جواد» صدای کرد!» این که ناراحتی ندارد! خودت عضو تیم مذاکره کننده هسته ای بشو تا اعضای تیم آمریکایی تو را نیز